

هیس! نصیحت کنندگان فریاد نمی زنن...

Hello!

سلام!

What's your problem?

مشکلت چیه؟

I'm exactly here to solve the problem!

من دقیقا اینجا که مشکل رو حل کنم!

Tell me

بهم بگو

What's your problem?

مشکلت چیه؟

Hello...

سلام...

I'm talking to you!

دارم باهات حرف میزنم!

What?

چی؟

I'm here to help you solve your problem.

من اینجا هستم که بهت تو حل کردن مشکلت کمک کنم.

OK?

خب؟

Let me see with which problem you can help me!

بذار ببینم تو کدوم مشکلم میتونی کمک کنی!

Hmm...

اممم....

I think you definitely

فکر کنم حتما

have a solution for one of them!

واسه یکیشون یه راه حلی داری!

Great!

عالیه!

I'm all ears

من سراپا گوشم

Let's talk about it!

بیا درموردش حرف بزنیم!

Ah..Not this way!

نه دیگه..نشد!

We were supposed to find a key to my problem

قرار بود یه کلیدی برای مشکلات من پیدا کنیم

aren't we?

نه مگه؟

I just don't get it!

من نمیفهمم چی میگی!

Exactly

دقیقا

This is my second problem!

این مشکل دوممه!

So

خب

what was the first one!?

اولیش چیه؟

Let's start with the second one!

بذار با دومی شروع کنیم!

One of my biggest problems is that

یکی از بزرگترین مشکلاتم اینه که

people don't understand me!

مردم منو نمیفهمن!

As Freud said

همونطور که فروید گفته

our conflict with other people

ناسازگاری ما با آدمهای دیگه

is rooted in our subconscious...

ریشه تو ناخودآگاهمون داره...

What the hell!

این دیگه چه کوفتیه!

Let's go through the first one

بریم سر وقت اولی

You know

میدونی

Not only other people don't understand me

نه تنها بقیه ی آدما منو نمیفهمن

but also they keep talking about almost everything!

بلکه همش درمورد تقریبا همه چیز حرف میزنن!

About communism

در مورد کمونیسم

imperialism

امپریالیسم

cubism

کوبیسم

racism

نژادپرستی

feminism

فمنیسم

existentialism...

اگزیستانسیالیسم...

wait, wait!

وایسا وایسا!

What on earth is the last one?

اون آخریه چی هست اصلا؟

Can you grown-ups at least try to listen?

شما بزرگترها همیشه حداقل تلاش کنید که گوش بدید؟

I don't understand why

نمیفهمم چرا

all of you are dying to give advice!

همه تون کشته مرده ی نصیحت کردنین!

Why do want to show your

چرا میخواید در مورد همه چیز



fake knowledge about everything?

اطلاعات الکیتون رو نشون بدین؟

Let's consider yourself!

مثلا خودِ تو!

You've been wearing this nasty coat

از وقتی اومدی تو زبانشناس

since you came into Zabanshenas!

همین کت زشتتو میپوشی!

Just assume that someone like you

فقط فرض کن یکی مثل تو

wants to talk about fashion!

بخواه درمورد فشن حرف بزنه!

It's always been my problem!

مشکل من همیشه همین بوده!

Seems like my first problem is being solved!

انگاری مشکل اولم داره حل میشه!

I don't understand!

متوجه نمیشم!

I'm usually like this!

همیشه همینطوریم!

I'm not able to understand

نمیتونم متوجه شم

what other people are saying!

که بقیه مردم چی دارن میگن!

It's like you want to impose your idea

یعنی دوست داری نظرت رو تحمیل کنی

instead of listening?

به جای گوش دادن؟

kinda...!

یه جورایی...!

It seems to me that your problem

به نظر میرسه که مشکلات

is rooted in your childhood!

ریشه در بچگیت داره!

I can't do anything in one session!

نمیتونم با یه جلسه کاری کنم!

Have you made a file for your medical records?

تشکیل پرونده دادی؟

Not yet!

نه هنوز!

So...

پس...

See you next session!

جلسه ی بعد میبینمت!

Is my problem serious?

مشکلم جدیه؟

How can I deal with it?

چطوری میتونم حلش کنم؟

The first problem...

مشکل اول...

You are talking a lot!

داری زیادی حرف میزنی!

Here...

بگیرش...

stick it!

بچسبونش!

Talk less!

کمتر حرف بزن!

Next one...

مريض بعد...

To impose... or to educate?

تحمیل کردن... یا تعلیم دادن؟

That's the question!

مسئله این است!